



آثار افزایش ۵۷ درصدی حداقل حقوق و دستمزد در سال ۱۴۰۱



عنوان گزارش: آثار افزایش ۵۷ درصدی حداقل حقوق و دستمزد در سال ۱۴۰۱

انتشار: امور کمیسیون های تخصصی اتاق ایران

شماره گزارش: ۱۹۰۰۵۰

زمستان ۱۴۰۰

فهرست

۳	کمیسیون تسهیل تجارت و مدیریت واردات
۶	کمیسیون حقوقی و حمایت قضائی و مقرراتی

کمیسیون حقوقی و حمایت قضائی و مقرراتی

این تصمیم که به ظاهر باعث افزایش قدرت خرید کارگران میشود. اما این فقط ظاهر ماجراست و این تصمیم سرکنگبینی است که صفا خواهد فرود!

این تصمیم قطعا آثار متعدد و متفاوتی در محیط کسب و کار ایجاد می نماید که ذیلا به تعدادی از آن ها اشاره می گردد:

۱- آشفستگی در تصمیم ،

برای سال ۱۴۰۱ رشد دستمزد کارگران ۵۷ درصد اما رشد دستمزد کارمندان دولت ۱۰ درصد، رشد قیمت کالاها و خدمات بالای ۴۰ درصد و طبق پیش بینی خود دولت حدود ۳۰ درصد باتوجه به موارد فوق معلوم نیست منطق تصمیم گیرندگان دقیقا چه بوده و به کدام بخش از عوامل تاثیر گذار بر تولید توجه شده است؟!

۲- حاتم بخشی دولت از جیب فعالان اقتصادی غیر دولتی و بخش خصوصی

با توجه به تنگنایهای اقتصادی موجود، انتظار این بود که دولت برای بنگاه های خدماتی و بنگاه های کوچک که بیشترین ضرر را از تصمیمات عجولانه دولت می بینند معافیت ها یا تخفیفات مالیاتی قائل شود و همچنین بخشی تا تمام سهم کارفرما از حق بیمه کارکنان آن ها را بپردازد ، نه آنکه با حاتم بخشی از جیب کارفرما تحت عناوین به ظاهر زیبا و توده پسندی چون افزایش دستمزد که به تجربه جوامع مختلف ، سیاستی ضد اشتغال است متوسل شود!

۳- بی توجهی تصمیم گیرندگان نسبت به اثرات تورمی سالیانه

افزایش حداقل دستمزد در کوتاه ترین زمان در قیمت کالا و خدمات لحاظ می شود لذا نگرانی اصلی باید به تاخیر ۱۲ ماهه رشد دستمزدها باشد نه افزایش یک مرحله ای و سالانه. با توجه به آنکه قانون اجازه افزایش دستمزدها را بیش از یکبار در سال داده است بهتر بود که برای جلوگیری از شوک دستمزدها و افزایش قیمت ها از اینگونه تصمیمات شتابزده پرهیز شده و با توجه به شرایط جاری کشور حداقل دو بار در سال به بررسی و تعیین دستمزدها پرداخته می شد.

۴- بی توجهی نسبت به گزارش مرکز پژوهش های مجلس

براساس بررسی های مرکز پژوهش های مجلس که در گزارش شماره ۲۲۰۱۷۸۸۲ آن مرکز منعکس شده است، به صراحت به ضعف های موجود برای تعیین دستمزد اشاره می کند.

الف - در ماده ۴۱ قانون کار بر تعیین حداقل مزد کارگران برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای زیر تاکید شده است:

- ۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی اعلام می شود، تعیین خواهد شد.
- ۲- حداقل دستمزد بدون آن که مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد که زندگی یک خانواده را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود تامین کند.
- با این حال مرکز پژوهش ها پنج ایراد را به فرایند کنونی تعیین حداقل دستمزد به این شرح برشمرده است:
- ۳- توجه نکردن به تفاوت هزینه های زندگی و نرخ تورم در مناطق و استان های مختلف به ویژه مناطق شهری و روستایی (عدم اجرای کامل جزء ۱ ماده ۴۱ قانون کار)؛
- ۴- اعمال سطح حداقل دستمزد یکسان برای تمامی مناطق و فعالیت های اقتصادی برخلاف صدور ماده ۴۱ قانون کار؛
- ۵- توجه نکردن به مقوله های تفاوت گروه های سنی، جنسیت و سلامت جسمانی کارگران و کارکنان در تعیین حداقل دستمزد (به دلیل ضعف جزء ۲ ماده ۴۱ قانون کار)؛
- ۶- ایجاد انگیزه قانون کنونی برای گسترش اشتغال غیر رسمی به ویژه در نواحی روستایی به دلیل نبود انعطاف پذیری در تعیین حداقل دستمزد و نداشتن توان مالی کارفرمایان در پرداخت حداقل دستمزد تعیین شده رسمی؛

۷- محقق نشدن هدف سیاست گذار در حمایت از شاغلان به خصوص در مناطق محروم به دلیل اثرگذاری سیاست حداقل دستمزد سراسری و قیمت گذاری سراسری در بازار محصول بر تخصیص منابع (تمرکز منابع در مناطق برخوردار) نکته قابل تامل دیگر، اشاره این مرکز به اجرا شدن حداقل مزد متفاوت در برخی از کشورها برای صنایع و بنگاه های مختلف است به طوری که در کشورهایی مانند اتریش، ایتالیا و آلمان و کشورهای حوزه اسکاندیناوی این مدل اجرا شده است. همچنین در برخی از کشورها که نابرابری اقتصادی گسترده ای بین مناطق مختلف جغرافیایی وجود دارد، یکی از اقدامات مهم دولت ها، تعیین حداقل دستمزد بر اساس مناطق مختلف است. کشورهایی مانند چین، هند، اندونزی و ویتنام از این دست هستند و توصیه کرده بود که تعیین دستمزد بصورت اجرای آزمایشی مزد منطقه ای تعیین شود

۵- افزایش دستمزد کارگران دور باطلی که سال هاست تکرار می شود

شورای عالی کار، با اعلام افزایش ۵۷ درصدی حداقل حقوق کارگران برای سال ۱۴۰۱ در ظاهر گام خوبی برای رفاه این قشر زحمتکش برداشته ولی قطعاً خود اعضاء این شورا هم می دانند که بار دیگر به همان دور باطلی دچار شده اند که سال هاست گرفتار آن هستند.

پیامد ناگوار افزایش ۵۷ درصدی حقوق کارگران اینست که کارفرماها به دلیل عدم امکان تأمین هزینه های کارگاه های خود، ناچار می شوند قیمت تولیدات یا خدمات خود را بالا ببرند، این افزایش قیمت ها مستقیماً بر هزینه زندگی تأثیر خواهد گذاشت. کارفرمایان برای جلوگیری از تعطیل شدن کارگاه یا کارخانه خود، ناچار می شوند اقدام به تعدیل نیرو کنند. این اقدام نیز به زیان کارگران است، زیرا عده زیادی از آنها شغل خود را از دست می دهند. دولت از یک طرف برای ایجاد شغل و رفع بیکاری برنامه ریزی می کند و از طرف دیگر با تصمیم نادرست شورای عالی کار که خود نیز عضو آن است عده ای را بیکار می کند!

۶- سال ۱۴۰۱ توقف تولید خواهیم داشت نه جهش تولید

وقتی تورم ۱۴۰۰ نهایتاً بین ۳۰ تا ۴۰٪ برآورد میشود و تورم انتظاری ۱۴۰۱ نیز براساس برخی برآوردها مثل برآورد رسمی سازمان برنامه و بودجه ۲۳٪ است (در واقع بیشتر خواهد بود)، یعنی با کمی اغماض تولیدکنندگان به طور متوسط با حداقل افزایش ۲۳ درصدی هزینه ها مواجه خواهند شد! در چنین شرایطی تحمل افزایش ۵۷٪ حقوق کارگران از عهده کارفرما خارج است و در نتیجه کارفرما در این شرایط ناچار به تعدیل نیرو و به دنبال آن تعدیل مقداری (کاهش تولید و عرضه) خواهد شد که نتیجه آن، اولاً رشد بیکاری و در ثانی افزایش تورم ناشی از کاهش عرضه خواهد بود.

۷- شورای عالی کار دچار عارضه "توهم پولی شده است"

بدین معنا که دولت در نقش سیاستگذار و تنظیم گر به جای تمرکز بر متغیرهای واقعی، بر رشد متغیرهای اسمی برای ارتقاء رفاه عمومی متمرکز می شود.

یعنی مثلاً به جای تمرکز بر ارتقاء صادرات و رشد تولید و رشد بهره‌وری، بر رشد دستمزد تاکید میشود و طبیعتاً نتیجه ای دقیقاً "معکوس آنچه در ذهن سیاست گذار است" به بار می آورد. متأسفانه اتفاقی که در شورای عالی کار افتاد از این جنس بود.

۸- شورای عالی کار با این تصمیم احساسی ثابت کرد که نسبت به واقعیت های حاکم بر شرکتهای و موسسات خدماتی که قسمت اصلی و عمده قیمت تمام شده خدمتشان نیروی انسانی است بی اطلاع و یا لاقبل بی تفاوت است و با این وضعیت، نه تنها فرصت محدود افزایش بهره وری و اشتغال در کشور از بین خواهد رفت، بلکه سیاست های ویرانگری مانند سرکوب قیمت ها و افزایش بخشنامه های خلق الساعه و دستورالعمل های دستوری با شدت بیشتری اعمال خواهد شد. به عبارت دیگر، این دولت بطور ناخواسته به همان راهی خواهد رفت که دولت های قبل رفتند و نتیجه اش چنان شد که میبینیم. مطمئناً با این تصمیم اصلاح موثری در اقتصاد رخ نخواهد داد.

سخن آخر:

ایرادات این کمیسیون بر مصوبه شورای عالی کار به هیچ عنوان به معنای نفی استحقاق جامعه کارگری شریف و زحمتکش کشور نیست. رفع مشکلات معیشتی و تامین رفاه مناسب برای ایشان از دغدغه های اصلی تمام فعالان اقتصادی میباشد، چه آنکه سرمایه اصلی هر واحد اقتصادی، کارکنان و نیروی انسانی آن می باشد. لیکن افزایش دستمزد ها، بدون توجه و در نظر گرفتن سایر مولفه های اقتصادی کشور عملاً موجب بی اثر شدن این افزایش می گردد. تا زمانیکه ساختار اقتصادی کشور اصلاح نشده و بخصوص کسری هنگفت بودجه به صورت اصولی رفع نگردیده و تورم لجام گسیخته کماکان در عرصه اقتصاد کشور می تازد، این افزایش تحت هیچ شرایطی موجب رفع مشکل معیشتی کارگران نخواهد شد و کما فی السابق توسط تورم بلعیده میشود و همانطوریکه گفته شد، سرکنگبینی است که صرفاً می افزاید

کمیسیون تسهیل تجارت و مدیریت واردات

سر جمع اثرات	افزایش دستمزدها با سه سناریو					اثرات تغییر نرخ مبنای گمرکی	
	بعد از سیاست (سه سناریو)			قبل از سیاست	بعد از سیاست	قبل از سیاست	
	%۴۰	%۳۰	%۲۰				
<p>- اصولاً سیاست‌هایی که منجر به ایجاد شوک در اقتصاد می‌شود نمی‌توانند اثرات تخصیصی و توزیعی مناسبی در اقتصاد داشته باشند. اگر سیاست دولت بر مبنای جبران بخشی از کسری بودجه دولت است، در اینصورت دارای تبعاتی از جمله کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان، افزایش هزینه تولید و از بین رفتن اثرات درآمدی این سیاست در میان مدت خواهد بود.</p> <p>- به هر حال توزیع سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی در جبران بخشی از کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان نقش داشته است و سیاست‌های که منجر به ایجاد انتظارات تورمی در اقتصاد می‌شود منجر به خارج شدن بخشی از نقدینگی به سمت امور نامولد می‌شود.</p> <p>- زمانی که اقتصاد در شرایط کمبود کالا و ارز به سر می‌برد سیاست توزیع</p>	<p>با توجه به افزایش هزینه‌های تولید و مصرف‌کنندگان بخشی از درآمدهای دولت صرف سیاست‌های حمایتی و افزایش دستمزدها خواهد شد و در میان مدت اثرات درآمدی این سیاست کم‌رنگ خواهد شد.</p>	-	<p>با توجه به افزایش هزینه‌های حمایتی و افزایش هزینه تولید در میان مدت اثر درآمدی چندانی برای دولت متصور نیست اما در کوتاه مدت باعث افزایش درآمد دولت خواهد شد.</p>	<p>بسته به میزان واردات و شرایط رونق یا رکود اقتصادی</p>	درآمدها		

<p>کوپنی کالا در کنار سایر سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار می‌گیرد و وجود بخشی از کارآمدی در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی تبعات گریز ناپذیر چنین شرایطی است و اتخاذ سیاست‌هایی که اوضاع تورمی را تشدید کند قطعاً آثار نامناسبی بر اقتصاد برجای خواهد گذاشت.</p> <p>- با کاهش احتمالی تحریم و احتمال تشبیت نرخ ارز اجرای چنین سیاستی در شرایط فعلی توصیه نمی‌گردد.</p>					
<p>بسته به صنعت و میزان اثر پذیری از سیاست‌های تغییر نرخ ارز و نرخ‌های تعرفه</p>	<p>با افزایش دستمزدها هزینه‌های تولید نیز افزایش خواهد یافت.</p>	<p>-</p>	<p>افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید مصرف کننده در صورت عدم حمایت‌های صحیح و هدفمند از اقشار آسیب پذیر و صنایع آسیب پذیر</p>	<p>مانند سنوات گذشته و بسته به نرخ تورم</p>	<p>هزینه‌ها</p>
<p>بسته به صنعت و میزان اثر پذیری از سیاست‌های تغییر نرخ ارز و نرخ‌های تعرفه</p>	<p>-</p>	<p>-</p>	<p>-</p>	<p>مانند سنوات گذشته و بسته به صنعت و شرایط رکود یا رونق اقتصادی</p>	<p>حاشیه سود</p>